

قانون حاکم بر الزامات خاص غیر قراردادی

نجادعلی الماسی

استاد حقوق دانشگاه تهران

مرضیه افضلی مهر

کارشناس ارشد حقوق خصوصی

تاریخ دریافت: ۸۶/۰۴/۱۸

تاریخ تایید: ۸۶/۱۱/۱۶

چکیده

الزامات ناشی از فعل غیر و الزامات ناشی از مالکیت یا حفاظت از اموال در مبحث تعارض قوانین، جزء دسته الزامات خارج از قرارداد هستند و تعیین قانون حاکم بر این مسئولیت‌های خاص امری ضروری است. با توجه به پذیرش قاعده عمومی حل تعارض یعنی اعمال قانون محل وقوع فعل زیانبار در مورد این دسته ارتباط از سوی اکثر حقوق‌دانان، در بیشتر موارد که محل وقوع فعل زیانبار عامل تعیین‌کننده‌ای برای تشخیص قاعده حل تعارض الزامات ناشی از فعل غیر و ناشی از دارا بودن اشیاء است، حکومت این قانون بر این نهاد حقوقی قابل قبول می‌باشد، اما در مواردی که عوامل ارتباط دیگری غیر از محل وقوع فعل زیانبار در الزامات ناشی از فعل غیر بیشترین و نزدیک‌ترین ارتباط را با حادثه و طرفین آن دارد، لازم است دادگاه، قانون مناسب دیگری را قابل اعمال بر دعوی بداند تا از نارسایی‌های ناشی از اعمال مطلق نظریه سنتی قانون محل وقوع فعل زیانبار و دشواری مربوط به تعیین محل وقوع فعل زیانبار اجتناب شود. بنابراین، نظریه «قانون مناسب الزامات غیر قراردادی» به خوبی در کنوانسیون‌های لاهه مربوط به قانون حاکم بر مسئولیت‌های ناشی از حوادث جاده‌ای و قانون حاکم بر مسئولیت ناشی از محصولات تولیدی منعکس شده است. واژگان کلیدی: الزامات خاص غیر قراردادی، الزامات ناشی از فعل غیر، الزامات ناشی از دارا بودن اشیاء تعارض قوانین، قانون مناسب

مقدمه

الزامات غیر قراردادی یکی از دسته‌های ارتباط در مبحث تعارض قوانین است که در این زمینه علاوه بر لزوم تعیین قانون حاکم بر مسئولیت شخصی فرد، ناشی از فعل خویش مطابق با این قاعده که، «هر کس مسئول خطاهای خویش است»، تعیین قانون حاکم بر مسئولیت‌های خاص غیر قراردادی یعنی مسئولیت ناشی از فعل غیر و مسئولیت ناشی از مالکیت و حفاظت اشیاء نیز امری ضروری است. در صورت بروز تعارض قوانین در این دسته ارتباط، دادگاه ملزم است قبل از تعیین قانون حاکم، نسبت به مفاهیم و عناصر تشکیل دهنده این الزامات اظهار نظر نماید و موضوعات داخل در این دسته را مشخص کند. یکی از این موضوعات مسئولیت ناشی از فعل غیر و مسئولیت ناشی از اشیاء است که قانونگذار با این مبنا که هیچ‌کس نباید جبران نشده باقی بماند، در جهت حمایت از حقوق زیان دیده، به وضع آن مبادرت ورزیده است.

با توجه به سکوت قانونگذار ایرانی در مورد قاعده حل تعارض راجع به الزامات غیر قراردادی، به تبع جای خالی قانون قابل اعمال در مورد مسئولیت‌های خاص غیر ارادی، در قوانین حل تعارض ما احساس می‌شود.

مبحث قانون حاکم بر الزامات ناشی از فعل غیر و الزامات ناشی از نگهداری اشیاء در کشورهای اروپایی و امریکایی بعد از اینکه مبحث شبه جرم‌ها در تعارض قوانین در اواخر قرن نوزدهم میلادی به یک عنوان خاص تبدیل شد، همواره مورد توجه اندیشمندان آن دیار بوده است، به خصوص در قرن بیستم، قانون حاکم بر این دسته از الزامات، از آنجا که برای تولید و پخش محصولات و برای وسایل حمل و نقل و ارتباطات بکار رفته و اکثر این مسائل پیچیده خارج از مرزهای کشورها مطرح شده‌اند، به مسائل برآمده از انقلاب تکنولوژی پاسخ داده است.

اما در حقوق کشور ما - تا آنجا که جستجو شده - در این مورد خاص کمتر مقاله، کتاب و رساله‌ای به طور تفصیلی به رشته تحریر در آمده است (سلجوقی، ۱۳۸۰: ۴۰۵-۴۰۲). بنابراین، لزوم طرح این سؤال که در خصوص مسئولیت‌های ناشی از فعل غیر، مانند فعل زیانبار مجبورین، کارگران و مسئولیت ناشی از دارا بودن وسیله نقلیه موتوری و مسئولیت ناشی از محصولات تولیدی در مبحث تعارض قوانین، حکومت چه قانونی مناسب می‌باشد؛ همچنین تعمق در یافتن قانون قابل اعمال برای هر یک از این الزامات از طریق تحلیل حقوقی مبنای هر یک از این مسئولیت‌ها، دلیلی برای انجام این تحقیق است؛ زیرا نه تنها از لحاظ نظری موضوع با اهمیتی در تعارض قوانین می‌باشد بلکه از لحاظ عملی نیز به دلیل گسترش ارتباطات بین‌المللی امری ضروری به نظر می‌رسد.

در اینجا ابتدا به بیان مهم‌ترین نظریات مطرح شده در باب قانون حاکم بر الزامات خارج از قرارداد می‌پردازیم و سپس با بیان ماهیت حقوقی هر یک از مسئولیت‌های خاص غیر قراردادی، قانون مناسب قابل اعمال بر آن‌ها را مشخص می‌نماییم.

۱- تعیین قانون حاکم بر الزامات غیر قراردادی

در مسئله الزامات غیر قراردادی که جنبه حقوقی دارد و در آن منافع افراد بیشتر از مصالح سیاسی ملحوظ می‌گردد، در تعیین قاعده حل تعارض قوانین، بهتر است روش حقوقی یا انتخاب انسب را اعمال کرده و با توجه به طبیعت حقوقی مسائل مربوط به الزامات غیر قراردادی، قانون حاکم بر آن‌ها را تعیین نمود. از آنجا که هدف اصلی الزامات غیر قراردادی، اجرای عدالت از راه جبران ضرر است شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که با توجه به این هدف، قانون حاکم بر الزامات غیر قراردادی، قانونی است که به حال زیان دیده مساعدتر باشد و خسارات وارد بر خواهان را بیشتر جبران نماید.

اما در این خصوص مطالعه مهمترین نظرات حقوقی ارائه شده در باب قانون قابل اعمال بر دعوی الزامات غیر قراردادی (شبه جرم‌ها) خالی از فایده نیست. مهمترین این نظرات، نظریه اعمال قانون محل وقوع فعل زیانبار و نظریه قانون مناسب شبه جرم یا قانون کشوری است که الزامات غیر قراردادی با آن، نزدیک‌ترین ارتباط را دارا می‌باشد.

۱-۱- نظریه اعمال قانون محل وقوع فعل زیانبار^۱

امروزه، اعمال قانون محل وقوع شبه جرم، دکترین رایج قاره اروپا و اکثر کشورهای عربی می‌باشد ولی در گذشته، دکترین رایج ایالات متحده آمریکا بود. لذا اکثر صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل خصوصی قانون قابل اعمال بر الزامات غیر قراردادی را قانون «محل وقوع فعل زیانبار» می‌دانند. البته در حقوق کشورهایی که نظریه تقصیر مبنای الزامات غیر قراردادی است، در فرض تعدد مکان‌های وقوع فعل زیانبار و تحقق خسارت، قانون محل وقوع فعل زیانبار، حاکم بر ماهیت دعوی مسئولیت عامل زیان در جبران خسارت وارده بر زیان دیده است؛ زیرا قانون کشوری که خطا در آنجا رخ داده است، رفتار مرتکبین آن خطا را با تنظیم و وضع قوانین مختلف، محکوم می‌کند. اما در حقوق کشورهایی که مبنای مسئولیت غیر قراردادی را مسئولیت محض و «نظریه ایجاد خطر» می‌دانند، با این استدلال که، «مسئولیت عامل ورود زیان محقق نخواهد شد مگر زمانی که عناصر و ارکان آن تکمیل شده باشد و این تکمیل در مکانی که خسارت تحقق یافته و غیر از مکان وقوع فعل زیانبار است انجام می‌شود»، قانون حاکم بر دعوی الزامات غیر قراردادی را قانون محل تحقق خسارت می‌دانند. همانطور که طرفداران نظریه تضمین حق نیز از آن جهت که مکان تحقق خسارت را آخرین مکانی می‌دانند که در آنجا به منافع حفاظت شده شخصی، خسارت و لطمه وارد می‌شود، همان قانون را حاکم بر ماهیت دعوی الزامات غیر قراردادی می‌دانند (المبروک اللافی، ۱۹۹۴ م: ۱۹۱)؛ (Ioussouarn, 1998: 628)؛ (Rabel, 196: 2/301) اولین دلیل حمایت از قاعده اعمال قانونی محل وقوع فعل زیانبار حق حاکمیت سرزمینی می‌باشد بدین ترتیب که، قانون محلی که واقعه زیانبار در آن رخ داده، تنها قانونی است که می‌توان نتایج قانونی فعل زیانبار را به آن نسبت داد. طرفداران این قاعده همچنین گفته‌اند که تنها منبع التزام خواننده به جبران خسارات زیان دیده، قانون محل وقوع شبه جرم می‌باشد؛ زیرا این قانون، نه تنها وجود تعهدات مرتکبین افعال زیانبار را مشخص می‌کند، بلکه اندازه و دامنه آن تعهدات را نیز به همان نحو تعیین می‌کند.

دلیل دیگر در حمایت از این قاعده، این است که اعمال آن معمولاً مطابق با انتظارات قانونی طرفین می‌باشد؛ قانون الزامات غیر قراردادی، برخی از مسئولیت‌ها را به انواع خاصی از

1. The lex loci delicti (the law of the place of tort)

رفتار و به ایجاد خطرهای اجتماعی خاص، ربط می‌دهد. کسانی که در فعالیت‌های مسئولیت‌آور شرکت می‌کنند، باید بتوانند خطرهای احتمالی را محاسبه کرده و خود را در برابر آن بیمه کنند. همه باید این حق را داشته باشند که رفتارهایشان را با قانون کشوری که در آنجا فعالیت می‌کنند منطبق سازند (Morris, 2000: 355-356).

دلیل دیگر در حمایت از این نظریه این گونه بیان شده که رابطه قانونی حاصل از این عمل نه مستند به موضوع التزام است و نه مستند به طرفین آن (عامل زیان و زیان دیده) بلکه مستند به منشاء التزام که همانا خود عمل زیانبار است، می‌باشد و محل وقوع فعل زیانبار، همان مکانی است که قانون آن محل باید حاکم بر قضیه التزام باشد؛ خصوصاً اینکه، قانون با هدف ایجاد تعادل بین حقوق فرد و حقوق دیگران آثار قانونی را بر عمل مادی مترتب می‌کند بدون اینکه اراده مرتکبین را در آن دخیل بداند (عبداله، ۱۹۸۶ م: ۲ / ۵۱۰-۵۰۹).

۲-۱- نظریه اعمال قانون مناسب الزامات غیر قراردادی

جدیدترین نظریه‌ای که در خصوص قانون حاکم بر دعوی الزامات غیر قراردادی بیان شده، «نظریه قانون مناسب الزامات غیر قراردادی» است؛ این نظریه به خاطر عیوب و ایراداتی که از اعمال صرف و غیر منعطف قانون محل وقوع فعل زیانبار به بار آمده بود، با تحلیل عوامل اجتماعی مربوط به واقعه زیانبار، وضعیت و موقعیت عامل زیان و زیان دیده و مرکز ثقل روابط آنان و ... مناسبترین قانون را - که نزدیک‌ترین ارتباط را با طرفین دعوی و با حادثه زیانبار دارد - قانون صلاحیت‌دار می‌شناسد. در برخی پرونده‌ها می‌توان با توجه به اوضاع و احوال خاص آن‌ها، استدلالی قوی را در مقابل اعمال صرف قانون محل وقوع شبه جرم برای هر مسئله مطرح شده و نشأت گرفته از هر نوع الزام غیر قراردادی، ارائه کرد:

اولاً، در شرایط امروزی، محل شبه جرم اغلب به همان اندازه اتفاقی است که محل انعقاد قرارداد ممکن است اتفاقی باشد. این موضوع به ویژه در مورد تصادفات حمل و نقل صدق می‌کند. شاید یک هواپیما در حال پرواز متلاشی شود یا به خاطر هوای نامساعد در کشوری سقوط کند که هیچ کس تصور نمی‌کرد که این مسافرت در آنجا پایان یابد. تصادفی ممکن است بین ماشین‌های انگلیسی و فرانسوی در سوئیس اتفاق افتد که محل بروز حادثه کاملاً اتفاقی می‌باشد؛ در نتیجه قانون محل بروز حادثه نمی‌تواند برای حکومت بر این قضیه صالح باشد. ثانیاً، ممکن است محل شبه جرم نامعین باشد، همانند موقعی که عمل خوانده در یک کشور اتفاق افتد و ضرر و زیان متعاقب آن نسبت به خواهان در کشور دیگری محقق شود. ثالثاً و مهمتر از همه، اعمال قانون محل وقوع فعل زیانبار، قطع نظر از محل سکونت و اقامتگاه شخص خاطی و زیان دیده و قطع نظر از نوع مسئله و نوع شبه جرم مورد

بحث، ممکن است به نتایج نامطلوبی منجر شود که عقل سلیم آن را نپذیرد؛ برای مثال اگر یک اسکاتلندی که توسط یک شرکت اسکاتلندی استخدام شده با راندن سهل‌انگارانه کامیون کارفرمای خود، باعث مرگ اسکاتلندی دیگری شود که کارمند همان شرکت و مسافر آن کامیون بوده، تنها به این خاطر که تصادف در کشور انگلستان در ۴۰ مایلی جنوب مرز انگلستان و اسکاتلند اتفاق افتاده، این شبه جرم را باید مطابق با قاعده کلی تابع قانون انگلستان بدانیم در حالی که این قانون نسبت به دعوی بیوه زن متوفی به منظور مطالبه غرامت، مناسب نمی‌باشد؛ چرا که بیشتر عوامل ارتباط در این پرونده مربوط به قانون اسکاتلند است و انگلیس تنها مکان اتفاقی است که وقوع شبه جرم در آنجا بوده است. ملاحظه این انتقادات، در سال ۱۹۴۹ دکتر «جان هامفری کارلیل موریس»^۱ را بر آن داشت که نظریه معروف خود را با نام «قانون مناسب شبه جرم»^۲ اظهار نماید.

رویکرد قانون مناسب، آن انعطاف‌پذیری را که شدیداً در مسائل مختلف الزامات غیر قراردادی نیاز است، فراهم می‌کند؛ چرا که امکان جداسازی مسائل مختلف را فراهم می‌آورد و در نتیجه، اجازه تجزیه و تحلیل مناسب‌تر عوامل اجتماعی درگیر در حادثه را خواهد داد. نظریه قانون مناسب الزامات غیر قراردادی، توسط دومین مجموعه تعارض قوانین آمریکا اتخاذ شد. بخش اصلی در این مجموعه که مربوط است به شبه جرم‌ها، چنین مقرر داشته: «با توجه به موضوع شبه جرم، حقوق و تکالیف طرفین توسط قانون داخلی ایالتی که نسبت به آن مسئله، عمده‌ترین ارتباط را با واقعه و طرفین دارد، تعیین می‌شود».^۳

عواملی که در تعیین این عمده‌ترین ارتباط، باید مورد ملاحظه قرار گیرند، بدین شرح است: الف) محلی که ضرر و زیان در آن حادث شده است؛ ب) محلی که عملکرد زیانبار سبب بروز صدمه یا ضرر شده است؛ ج) اقامتگاه تابعیت طرفین؛ محل تشکیل شرکت و محل تجارت طرفین؛ و در صورت وجود، محل ثقل روابط بین طرفین (Morris, 2000: 357-358).

۲- مسئولیت‌های ناشی از فعل غیر و قانون حاکم بر آن‌ها

قاعده این است که هر کس مسئول خطاهای خویش است؛ خطاهایی که خود مرتکب می‌شود یا دستور ارتکاب آن را می‌دهد و وسایل آن را فراهم می‌کند. مسئولیت‌های ناشی از فعل غیر چهره حمایتی دارد و برای این است که زبانی جبران نشده باقی نماند. به عبارت دیگر قانونگذار مواردی از مسئولیت ناشی از عمل غیر را به دو دلیل پیش‌بینی نموده است:

1. John Hamphey Carlile Morris
2. The proper law of the tort
3. The rights and liabilities of the parties with respect to an issue in tort are determined by the local law of the state which as to that issue has the most significant relationship to the occurrence and the parties.

اولاً، قانونگذار خواسته است در مواردی که فاعل مستقیم زیان استطاعت مالی ندارد (مثل یک طفل) و یا استطاعت کمی دارد (مثل یک کارگر) برای زیان دیده یک مسئول مستطیع فراهم سازد. ثانیاً، قانونگذار سعی کرده با تهدید به مسئولیت، کسانی را که حق اعمال قدرت دارند ترغیب نماید که از این قدرت برای جلوگیری از وقوع سوانح احتمالی استفاده کنند. در حقوق ما مسئولیت ناشی از فعل غیر، چهره استثنایی دارد و محدود به مواردی است که قانون مقرر می‌کند. البته رویه قضایی می‌تواند از ملاک قاعده مسئولیت کارفرما و مسئولیت متصدی حمل و نقل در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، مسئولیت پدر و مادر و بیمارستان روانی و هر کارفرما و دستور دهنده را استخراج نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۵۳۴/۱).

در مبحث مسئولیت‌های ناشی از فعل غیر و تعیین قانون حاکم بر آن‌ها در تعارض قوانین، ناگزیر باید از طرح بسیاری از مسائل حقوق داخلی صرف نظر کرد اما به دلیل اینکه وجود تفاوت در قوانین داخلی کشورها یکی از شروط تحقق تعارض قوانین به مفهوم بین‌المللی است و تا اختلاف در قوانین کشورها نباشد اصلاً اعمال قواعد حل تعارض موضوعیت پیدا نمی‌کند، بنابراین باید به کمک روش تحلیلی، حکم بین‌المللی هر مسئله را بر اساس تحلیل قوانین داخلی استنباط کنیم. اما از آنجا که طرح قوانین داخلی مربوط به هر یک از مسئولیت‌های ناشی از فعل غیر و تحلیل آن در جهت تعیین قاعده حل تعارض قوانین مناسب در حوصله این مقال نمی‌گنجد، تنها به بیان برخی قوانین داخلی مربوط به آن اکتفا می‌نماییم.

۲-۱- قانون حاکم بر مسئولیت سرپرست در برابر افعال زیانبار محجورین

در قوانین داخلی کشورمان ماده (۷) قانون مسئولیت مدنی^۱ به بیان مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیانبار صغیر و مجنون پرداخته است و بر مبنای آن مسئولیت افعال زیانبار صغیر و مجنون به عهده سرپرست آن‌هاست که مبنای آن حمایت از زیان دیده از یکسو و وادار کردن سرپرست محجور به دقت در انجام وظیفه از سوی دیگر است، البته ماده (۱۲۱۶) قانون مدنی نیز که مقرر داشته «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید، باعث ضرر شوند ضامن است» به نظر برخی از حقوق‌دانان در مورد صغیر غیر ممیز توسط ماده (۷) قانون مسئولیت مدنی، مورد تخصیص واقع شده است. (شایگان، ۱۳۳۹: ۲۳۱-۲۷۳)؛ (قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۲۴۱/۱)؛ (صفایی، ۱۳۷۵: ۲۴۴-۲۴۳)؛ (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۵۶۱/۱).

۱. ماده (۷) قانون مسئولیت مدنی: «کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد، در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت، مسئول جبران خسارت وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده زیان نباشد».

هر دعوای بین‌المللی دارای عوامل و عناصری است که در ارتباط با سیستم تعارض قوانین، تعیین می‌کند که مرکز ثقل رابطه حقوقی مورد دعوی بیشتر در کدام کشور قرار گرفته است، عاملی که در قاعده ارتباط بکار رفته و قاضی مأمور رسیدگی به دعوی باید قانون صلاحیت‌دار را بر حسب آن انتخاب کند. مثلاً اگر پدر و مادری فرانسوی همراه فرزندشان به کشور بلژیک سفر کنند و در طول مدت اقامتشان در آن کشور، فرزند آن‌ها مرتکب یک فعل زیانبار علیه فردی انگلیسی شود، عوامل ارتباط در این پرونده، تابعیت زیان دیده و عامل زیان و محل وقوع فعل زیانبار می‌باشد. در خصوص این موضوع که آیا مسئولیت سرپرستان به خاطر فعل زیانباری که مجبورین تحت نظارت و مراقبت آن‌ها مرتکب شده‌اند، تابع قانون ملی سرپرستان است یا تابع قانون محل وقوع شبه جرم، نظرات مختلفی بیان شده است.

در حقوق فرانسه، در مورد رابطه‌ای که بین تعهد نگهداری و محافظت از صغار و مجانین بر دوش والدین و دیگر سرپرستان همچون معلمان و پیشه‌وران است، بارتن - حقوقدان فرانسوی - از تبعیت مسئولیت والدین در خصوص مراقبت و نگهداری کودکانشان از قانون حاکم بر احوال شخصیه آنان یا قانون ملی آن‌ها دفاع کرده است و دلیلی که در این خصوص ارائه نموده بر این مبنا استوار است که نگهداری و محافظت والدین از فرزندانشان ناشی از حق ولایت ولی قهری بر اولادش می‌باشد.

اما دکتربین حاضر در حقوق فرانسه در مورد قانون حاکم بر مسئولیت سرپرستان در قبال افعال زیانبار مجبورین، پذیرش صلاحیت قاعده محل وقوع شبه جرم است، مشروط بر اینکه رابطه نسبی بین فرزند و ابویین و همچنین وضعیت فردی که مرتکب شبه جرم شده از لحاظ صغیر بودن یا بالغ بودن، توسط قانون ملی حاکم بر احوال شخصیه مرتکب فعل زیانبار مشخص گردد (Loussouarn, 1998: 638). در واقع رابطه بنوت و اهلیت مرتکب عمل زیانبار، چون در دسته احوال شخصیه قرار دارد؛ بنابراین تشخیص آن‌ها به عهده قانون حاکم بر احوال شخصیه یعنی قانون ملی یا قانون اقامتگاه ابویین و اولاد است؛ بسته به اینکه عامل اصلی ارتباط در مورد مسائل مربوط به احوال شخصیه در یک سیستم حقوقی خاص، اقامتگاه باشد یا تابعیت.

به عنوان مثال اگر خانواده‌ای انگلیسی و مقیم امریکا به بلژیک سفر کنند و فرزند آنان در کشور بلژیک مرتکب شبه جرمی علیه یک فرانسوی شود، قاضی ابتدا می‌بایست برای احراز صغارت مرتکب فعل زیانبار به قانون اقامتگاه ایشان، یعنی قانون امریکا، رجوع کرده و پس از احراز این مسئله، قانون محل وقوع شبه جرم را در مورد مسئولیت ناشی از فعل غیر اعمال نماید؛ چرا که عامل اصلی ارتباط در سیستم حقوقی انگلیس و امریکا نسبت به مسائل مربوط به احوال

شخصیه، اقامتگاه است. در حالی که عامل مزبور در سیستم حقوقی ایران و کشورهای اروپای قاره‌ای نسبت به این مسائل، تابعیت می‌باشد (الماسی، ۱۳۸۳: ۲۵۴).

موضوع دیگر در خصوص این نوع مسئولیت، زمانی مطرح می‌شود که نسبت طفل به شخصی که ادعا می‌کند معلوم نباشد. در این هنگام تابعیت او نیز محل تردید می‌باشد، زیرا تابعیت منوط به صحت نسب است و تا زمانی که اثبات نسب به عمل نیاید، باید قانون دادگاهی که دعوی در آن مطرح می‌شود، صلاحیت‌دار شناخته شود (همان، ۲۵۴).

در حقوق بین‌الملل خصوصی اکثر کشورهای عربی نظیر مصر و لبنان نیز مسئولیت ناشی از قصور در نگهداری و مراقبت، تابع قانون محل وقوع فعل زیانبار است؛ با این استدلال که نگهداری و محافظت سرپرست نسبت به محجور ناشی از وجود مسئولیت تقصیری است که می‌بایست تابع قانون مذکور باشد. علاوه بر آن، این موضوع که آیا این تقصیر، تقصیر مفروض است که در این فرض اثبات عدم تقصیر از سوی سرپرست پذیرفته می‌شود یا تقصیر اثبات شده است که در آن صورت زیان دیده می‌باید خطا و تقصیر سرپرست را در قصور و وظیفه نگهداری و مراقبت اثبات کند، همگی مسائلی ماهوی و تحت حکومت قانون محل وقوع فعل زیانبار است. همچنین در فرض تعدد سرپرستان مثل زمانی که پدر و مادر هر دو در نگهداری از اولادشان قصور می‌ورزند، این مسئله که آیا مسئولیت آن‌ها در جبران خسارت زیان دیده یک مسئولیت تضامنی است یا مسئولیت مشترک - که در این صورت هر کدام از آن‌ها به نسبت قصورشان باید خسارت را جبران نمایند - نیز موضوعی ماهوی و تحت حکومت قانون محل وقوع فعل زیانبار می‌باشد. اما، دو موضوع به طور مشخص از حاکمیت قانون محل وقوع شبه جرم خارج می‌شود:

۱- مشخص کردن شخص سرپرست یا ولی در مورد مسئولیت ناشی از قصور در نگهداری و مراقبت؛ مثل تعیین سرپرست فرزندان در فرض فوت پدر و مادر یا تعیین این امر که عنوان معلم یا پیشه‌ور در فرض قصور آن‌ها از وظیفه نگهداری که بر عهده ایشان می‌باشد بر چه کسانی صدق می‌کند، منحصراً موضوعی مربوط به قانون حاکم بر احوال شخصی مرتکب فعل زیانبار است که در اکثر کشورها همان قانون ملی صغیر یا مجنون می‌باشد.

۲- مشخص کردن سن رشدی که سلطه ولی یا وصی از او در آن سن زایل می‌شود نیز مسئله‌ای تحت حکومت قانون شخصی صغیر است (بدیع منصور، ۱۹۹۴م-۱۴۱۳ق: ۴۸۰)؛ (عبدالله، ۱۹۸۶: ۵۲۵-۵۲۴).

سایر کشورهای اروپایی و کشور آمریکا نیز اغلب قائل به حکومت قانون محل وقوع فعل زیانبار بر مسئله مذکور می‌باشند. عده‌ای از حقوق‌دانان در توجیه این قاعده گفته‌اند، چون رابطه

مسئولیت سرپرست در برابر افعال زیانبار شخص صغیر یا مجنون، یک رابطه قانونی صرف است؛ مانند کشورهایی که مطابق قوانین یا رویه قضایی آن‌ها، والدین مسئول مستقیم اعمال فرزندان هستند، این مسئله که آیا چنین مسئولیتی وجود دارد یا خیر کاملاً مربوط به قانون محل وقوع فعل زیانبار است؛ زیرا مسئولیت با نقض قوانین و مقررات این کشور محقق می‌شود. بنابراین، این موضوع هیچ ارتباطی با قانون حاکم بر احوال شخصی مرتکب فعل زیانبار ندارد. اما استثنائاً اگر اعتبار قانونی رابطه اصلی (رابطه ابوینی) مورد سؤال باشد، واضح است که باید این موضوع جدای از دعوی شبه جرم بررسی شود و به قانون خودش (قانون شخصی مرتکب فعل زیانبار) رجوع شود. همچنین قانون اقامتگاه یا ملیت شخص خاطی (با توجه به هر سیستم حقوقی خاص) این صلاحیت را دارد که تعیین کند، چه کسی به موجب آن قانون در موقعیت اعمال کنترل و مراقبت و نگهداری که می‌بایست، اساس مسئولیت ناشی از فعل غیر باشد، قرار گرفته است (stromholm, 1961: 173).

در نتیجه در حقوق بین‌الملل خصوصی اغلب کشورها، مسئله مسئولیت سرپرست در قبال افعال زیانبار محجورین تحت مراقبت و حفاظت ایشان، مربوط است به قانون محل وقوع فعل زیانبار که البته چند استثناء در خصوص تشخیص وضعیت مرتکب فعل زیانبار، از لحاظ صغیر بودن یا به سن کبر رسیدن و تشخیص سرپرست یا ولی وی که مسئولیت حفاظت و مراقبت از ایشان را بر عهده دارد و همچنین تشخیص نسب در موارد مشکوک، همگی تابع قانون حاکم بر احوال شخصی صغیر می‌باشد.

۲-۲- قانون حاکم بر مسئولیت کارفرمایان در خصوص افعال زیانبار کارگزارانشان

ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی^۱ راجع به مسئولیت کارفرما مقرراتی را پیش‌بینی کرده که از جمله ایجاد اماره تقصیر علیه کارفرما (نه اماره مسئولیت) می‌باشد و به کارفرما حق داده که تقصیر خود را بتواند ثابت نماید. در خصوص مبنای حقوقی این مسئولیت، نیز نظرات مختلفی پیشنهاد شده است، منتها بسیاری از نویسندگان، ضمان را ناشی از قانون و به دلیل انصاف و مصالح عمومی دانسته‌اند.^۲

قاعده عمومی در خصوص قانون حاکم بر مسئولیت ناشی از فعل غیر - هر چند برخی محدودیت‌ها نسبت به آن وجود دارد - این است که قانون محل وقوع فعل زیانبار، مسئولیت اشخاص ثالثی را که خودشان خاطی، همدست، عامل تحریک یا شریک مرتکب فعل زیانبار نیستند،

۱. ماده (۱۲) قانون مسئولیت مدنی: «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است مگر اینکه محرز شود تمام احتیاطهایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نمود، به عمل می‌آورند، باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود کارفرما می‌تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید».

۲. کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۵۳۹/۱؛ (مدنی، ۱۳۸۳: ۱۱۵/۳-۱۱۴)؛ و برای مطالعه مسئولیت کارفرما در حقوق فرانسه: ر.ک. (لوراسا، ۱۳۷۵: ۷۹-۷۲)؛ (حسینی نژاد، ۱۳۷۷: ۶۲-۵۵)؛ (ژوردن، ۱۳۸۲: ۱۲۸-۱۲۴).

تعیین می‌کند. در دکترین مدرن مسئولیت ناشی از شبه جرم در ایالات متحده امریکا، کارفرما نه تنها یک شخص ثالث شریک در عمل نادرست است، بلکه با شخص خاطی برابر بوده و مسئول اعمال اوست؛ چنانکه گویی عمل زیانبار توسط خود کارفرما انجام شده است.

البته اگر کارفرما، خودش مقصر در ورود زیان به ثالث باشد مسئولیت او مورد تردید نمی‌باشد؛ به عنوان مثال اگر صاحب امتیاز یک شهرسازی با یک پیمانکار خصوصی وسایل آتش‌بازی برای نمایش آتش‌بازی قرار داد ببندد و در حین بازی به دعوت شدگان آسیبی وارد شود، صاحب امتیاز قطعاً به خاطر سهل انگاری در تأمین یک محیط امن برای دعوت شدگان مسئول خواهد بود (Rabel, 1960: 2/267).

دادگاه‌های فرانسه در برخی از آرای قضایی، چنین نظر دادند که هیچ تمایزی بین مسئولیت شخص خاطی و مسئولیت کارفرما یا آمر وجود ندارد. مجموعه این مسئولیت‌ها تحت حکومت قانون محلی است که شبه جرم در آنجا رخ داده است.

نویسندگان فرانسوی نیز با این رویه قضایی هماهنگ بودند، ولی بعدها بارتن اصلاحات مشخصی را در این قاعده کلی پیشنهاد کرد. مطابق این اصلاحات پیشنهادی، برای تعیین اینکه آیا رابطه بین شخص خاطی واقعی و مافوق او، از همان نوع رابطه‌ای است که در قانون داخلی فرانسه، بین مأمور و آمر، وجود دارد باید به قانون محل انعقاد قرارداد رجوع شود (loussouam, 1998: 638-639)؛ (storomholm, 1961: 169).

حقوق دانان آلمانی نیز عموماً از اعمال قانون محل وقوع فعل زیانبار در خصوص مسئولیت کارفرما در برابر افعال زیانبار کارگزارانشان حمایت می‌کردند. دیوان کشور آلمان (R.G) ^۱ در سال ۱۸۸۱ چنین رأی داد که قانون محل خطا، مشخص می‌کند مسئولیت کارفرما در مورد افعال زیانبار کارگران وجود دارد یا نه، از آن زمان به بعد در آلمان از این رویه پیروی شد.

در حقوق انگلستان، این قاعده که مسئولیت کارفرما موضوعی تحت حاکمیت قانون محل وقوع شبه جرم می‌باشد، توسط قاضی جیمز در پرونده ماری مکس هام ^۲ به وضوح بیان شد و آراء بعد از آن هیچ تغییری در این قاعده ایجاد نکرد. در ایالات متحده نیز در اعمال همان قاعده محل وقوع شبه جرم، نمی‌توان تردید کرد؛ چرا که اگر قانون محل تحقق خسارت به کارفرمایان، صاحبان ماشین و کسانی که با ایجاد محیط خطرزا مسئولیت محض دارند، تسری پیدا نکند، قاعده امریکایی «محل خسارت» در عمل بی اثر می‌بود (Storom holm, 1961: 170).

در نتیجه؛ به طور کلی در حقوق بین‌الملل خصوصی کشورهای مختلف، قانون قابل اعمال بر مسئولیت کارفرما در برابر افعال زیانبار کارگزارانشان، به عنوان کاربرد خاص این نظریه که ریسک

1. Richtsgericht (supreme court of Germany till 1945).

2. The mary moxham (1876).

مربوط به سرمایه‌گذاری تجاری باید توسط شخصی که سرمایه‌گذاری را قبول می‌کند، پذیرفته شود، قانون محل وقوع شبه جرم است. در صورت تعدد مکان‌های تحقق خسارت و وقوع فعل زیانبار، در نظام‌های حقوقی که مسئولیت کارفرما را یک مسئولیت محض می‌دانند، قانون کشور محل تحقق خسارت حاکم بر قضیه خواهد بود؛ و مبنای این مسئولیت، مطابق اصل «عمل با مسئولیت خود»^۱ که یک اصل قدیمی حقوق انگلیسی می‌باشد و اخیراً در قاره اروپا به رسمیت شناخته شده مبتنی است بر اینکه کسی که سود می‌کند باید ضرر را هم بپذیرد.

از این رو بر اساس قانون محل وقوع فعل زیانبار در خصوص مسئولیت کارفرما موارد زیر مشخص می‌شود:

۱- قلمروی مسئولیت کارفرمایان در برابر فعل زیانبار کارگزارانشان و اینکه آیا مسئولیت مبتنی بر تقصیر است یا مسئولیت محض است و یا مبتنی بر فرض تقصیر می‌باشد.

۲- عامل معافیت از مسئولیت، اینکه چه دفاع‌هایی می‌تواند در اختیار کارفرما قرار گیرد؛ مثلاً بر اساس رأی دیوان کشور فرانسه در ۹ می ۱۹۸۸: «کارفرما در صورتی از مسئولیت معاف می‌شود که گماشته آن بدون اجازه، فراتر از وظایفی که برای آن استخدام شده و برای اهدافی خارج از صلاحیت‌های خود عمل کرده باشد» (ژوردن، ۱۳۷۵: ۱۲۸).

۳- شکل جبران خسارت و حدود آن؛ مثل اینکه آیا فقط باید به خسارت‌های مادی حکم داد یا خسارت‌های معنوی نیز جبران شدنی هستند و آیا کارگر متخلف و کارفرما در برابر زیان دیده مسئولیت تضامنی دارند یا غیر تضامنی؛

۴- مسئله مرور زمان نسبت به طرح دعاوی مربوط به مسئولیت کارفرمایان در قبال کارگزارانشان از آن جهت که ناظر به قلمروی حق اقامه دعوی (حق مطالبه خسارت) است، مسئله ماهوی و تحت حاکمیت قانون قابل اعمال بر دعاوی جبران خسارت زیان دیده است.

اما برخی مسائل نیز در این خصوص مربوط می‌شود به مسئله توصیف اصلی که برای تعیین و اعمال قانون محل وقوع فعل زیانبار، امری ضروری است و می‌بایست بر اساس قانون مقرر دادگاه توصیف شود؛ از جمله این موارد:

۱- تعیین این موضوع است که آیا مسئولیت کارفرما در برابر افعال زیانبار کارگزارانشان، یک مسئولیت قراردادی است یا غیر قراردادی؛

۲- توصیف محل وقوع شبه جرم؛ یعنی آیا جایی که صدمه مهلک به قربانی وارد شده یا جاییکه فعل زیانبار به ارتکاب رسیده است، محل وقوع شبه جرم می‌باشد.

1. The principle of acting at one's own.

همچنین تخمین میزان خسارت در مسئولیت مدنی، اصولاً به وسیله قانون مقرر دادگاه انجام می‌گیرد؛ زیرا یک امر موضوعی ملحق به ادله اثبات می‌شود (اثبات اصل میزان خسارت). از طرف دیگر، مسئله تشخیص سمت گماشتگی یا رابطه کارگر و کارفرمایی که طبعاً ناشی از قرارداد کار است که باعث می‌شود مزد بگیر از لحاظ حقوقی به کار فرمایش وابسته شود، می‌بایست تحت حاکمیت قانون حاکم بر قرارداد کار باشد. همچنین است مسئله رجوع کارفرما به گماشته در فرض تقصیر گماشته که چون مسئولیت کارفرما بنا بر نظر پذیرفته شده در حقوق ایران، در واقع تضمین توانایی پرداخت گماشتگان است نیز تابع قانون حاکم بر قرارداد کار یا استخدامی است. بنابراین اگر کارگری با کارفرمای خود در کشور (الف) قرارداد کاری منعقد می‌کند و محل انجام کار در کشور (ب) تعیین شده است، این مسئله پیش می‌آید که قانون حاکم بر قرارداد کار چه قانونی است؛ آیا قانون محل انعقاد قرارداد کار است یا قانون محل انجام کار و یا قانون منتخب طرفین؟ در خصوص قانون حاکم بر قراردادهای کار یا استخدامی، کنوانسیون رم حاوی قواعد بین‌الملل خصوصی خاص است که هدف آن حمایت از مستخدم است که طرف ضعیف قرارداد تلقی می‌گردد. مطابق ماده (۳) این کنوانسیون طرفین آزادند که قانون قابل اعمال را انتخاب کنند. اما این انتخاب نمی‌تواند مستخدم را از قواعد امری حمایت‌کننده قانونی که بدون انتخاب، قابل اعمال خواهد بود، محروم کند (بند نخست ماده ۶).

به طور کلی در حقوق ایران نیز در تمامی مواردی که مسئولیت قانونی، چنان با نظم عمومی ارتباط دارد که قرارداد منحرف‌کننده آن را بایستی غیر نافذ شمرد، ماده (۹۷۵) قانون مدنی^۱ اجرا می‌شود و قراردادهای استخدامی که مخالف قواعد آمره قانون قابل اعمال بر مسئولیت کارفرما و یا مخالف نظم عمومی دادگاه رسیدگی‌کننده می‌باشد در آن قسمت که مغایرت دارد لغو و بلا اثر هستند. در نتیجه توافق خصوصی طرفین برای قانون قابل اعمال نیز تا آنجا که مخالف این قواعد آمره و نظم عمومی کشور مقرر دادگاه نباشد صحیح و بلا اشکال است.

اما مطابق قسمت (الف) از بند دوم ماده (۶) کنوانسیون رم، اگر در یک قرارداد استخدامی، طرفین قانون قابل اعمال را انتخاب نکرده باشند، محلی ارجحیت دارد که کار بر حسب عادت در آنجا انجام می‌گردد (قانون محل کار)؛^۲ حتی وقتی مستخدم به طور موقت در کشور دیگری استخدام شده باشد، برخی گفته‌اند که زمان مناسب برای تشخیص کشوری که در آن مستخدم

۱. ماده (۹۷۵) قانون مدنی: «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خارجی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود، به موقع اجرا گذارد، اگر چه اجرای قوانین مزبور اصلاً مجاز باشد».

2. Lex loci laboris

کارش را انجام می‌دهد، زمان وقوع رویداد تشکیل دهنده موضوع اختلاف است. این زمان قبل از زمانی خواهد بود که طرفین اختلافشان را به یک دادگاه ارجاع می‌کنند. اما احتمالاً زمانی بعد از انعقاد قرارداد است.

در مورد مفهوم «به طور موقت» می‌توان از کنوانسیون‌هایی که سازمان بین‌المللی کار ایجاد کرده است، کمک گرفت؛ این کنوانسیون‌ها شرط یک سال را به عنوان عامل زمانی تعیین کننده به کار می‌برند. در صورتی که کار در بیش از یک کشور انجام می‌شود، قانون کشور محل کار استخدام کننده قابل اعمال خواهد بود؛ زیرا آنچه مستخدم متعهد به انجامش بوده در زمان انعقاد قرارداد تحقق یافته است (بند ب ماده ۶).

اگر به نظر برسد قرارداد، با قانون کشور دیگری غیر از موارد (الف) یا (ب) بیشتر مرتبط است همین قانون را می‌توان اعمال کرد (کوپنول، ۱۳۷۹: ۸۶-۸۵). قواعد مندرج در کنوانسیون رم می‌تواند راهنمای ارزنده‌ای برای تعیین قانون حاکم بر قراردادهای کار یا استخدامی باشد و با توجه به آن در مواردی که مسئله‌ای تحت حاکمیت قانون حاکم بر قرارداد کار است، قاضی با عنایت به این قواعد، حکم قضیه را مشخص کند.

۲-۳- قانون حاکم بر مسئولیت ناشی از حوادث جاده‌ای

قانون مدنی ایران برای مسئله حوادث ناشی از تصادفات وسیله نقلیه موتوری ناقص است و از قواعد عادی ضمان قهری فراتر نمی‌رود. اما قانون بیمه اجباری وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث در سال ۱۳۴۷^۱ با هدف جبران خسارت ناشی از زیان دیدگان حوادث رانندگی به تصویب رسید و مطابق ماده (۱) این قانون کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی، مسئول جبران خسارت بدنی و مالی هستند که در اثر حوادث وسایل نقلیه مزبور و یا محمولات آنها به اشخاص ثالث وارد می‌شود و موظفند مسئولیت خود را از این جهت نزد شرکت‌های بیمه، بیمه نمایند (کاتوزیان، جنیدی، غمامی، ۱۳۸۱: ۱۷-۱۶).

عوامل ارتباط در یک حادثه جاده‌ای عبارتند از: ملیت مرتکب فعل زیانبار؛ ملیت متضرر از حادثه؛ محل اقامت هر یک از آنها؛ ملیت یا اقامتگاه مالک وسیله نقلیه موتوری - در صورتی که دارنده ماشین و راننده آن، دو نفر باشد - عنصر ضرر (حادثه) و مکان تحقق آن، محل ثبت وسیله نقلیه‌ای که سبب ورود ضرر و صدمه شده است.

۱. ماده (۱) قانون بیمه اجباری دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث مصوب سال ۱۳۴۷ کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی و انواع یدک و تریلر متصل به وسایل مزبور و قطارهای راه آهن، اعم از اینکه اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند، مسئول جبران خسارت بدنی و مالی هستند که در اثر حوادث وسایل نقلیه مزبور و یا محمولات آنها به اشخاص ثالث وارد شود...».

گفته شده که از میان تمامی این عوامل ارتباط، مکان وقوع حادثه زیانبار، یک عنصر عینی است که ارتباطی با تابعیت فاعل ضرر یا متضرر یا با محل اقامه دعوی، یا با وسیله نقلیه‌ای که مسبب صدمه و زیان شده و در ملکیت یا تصرف یکی از طرفین دعوی قرار داشته، ندارد. بنابراین به نظر برخی از حقوق‌دانان، قانون محل وقوع حادثه، قانون قابل اعمال بر مسئولیت ناشی از حوادث جاده‌ای است (بدیع منصور، ۱۹۹۴: ۴۷۷).

برخی دیگر از حقوق‌دانان معتقدند؛ محل وقوع حادثه، همیشه به مرکز مهم و واقعی ملاحظاتی که در نتیجه حادثه عبور و مرور و حمل و نقل ایجاد شده است مربوط نمی‌باشد؛ به همین دلیل، در بعضی پرونده‌ها، دیگر عوامل ارتباط باید جایگزین آن شود، به طوری که اقامتگاه و ملیت مشترک طرفین دعوی، می‌تواند به عنوان یک عامل ارتباط مؤثر و تعیین‌کننده باشد و می‌توان آن قانون ملی را حاکم بر حادثه زیانبار دانست (loussouarn, 1998: 635).

نمونه‌ای قابل توجه از خطرات اعمال صرف و غیر منعطف قانون محل وقوع حادثه، دعوی مکین علیه پتی گرو^۱ می‌باشد که دیوان کشور کانادا در مورد آن رأی صادر کرد؛ هر چند این رأی نهایتاً در سال ۱۹۹۴ رد شد.

در این پرونده خواننده و خواهان هر دو مقیم وساکن کبک بودند و دعوی نیز در دادگاه‌های کبک اقامه شد. در آن ایالت، خواننده، خواهان را سوار ماشین خود کرده و خواهان به خاطر بی احتیاطی او در رانندگی، در ایالت آنتاریو صدمه دید اما ایالت آنتاریو دارای یک قانون موضوعه خارجی بود - در حال حاضر لغو شده - که مقرر می‌داشت: «مالک یا راننده یک وسیله نقلیه موتوری، بجز وسیله‌ای که کارش حمل مسافرین به خاطر پول می‌باشد، مسئول هیچ ضرر یا خسارت ناشی از جراحت بدنی یا مرگ هر کسی که در وسیله نقلیه بوده نمی‌باشد».

بنابراین، خواننده به موجب قانون محل وقوع شبه جرم، هیچ‌گونه مسئولیت مدنی در قبال خواهان نداشت. اما دیوان کشور کانادا، مدعی علیه را محکوم کرد؛ چرا که از نظر دادگاه او به موجب قانون آنتاریو به خاطر جرم ناشی از وسایل نقلیه موتوری مقصر بود، حتی اگر به خاطر آن در آنتاریو تیرنه شده بود. نتیجه این پرونده، نه استدلال آن می‌تواند مورد دفاع قرار گیرد (Morris, 2000: 360-361).

زیرا اعمال قاعده «قانون مناسب شبه جرم» که بیشترین و نزدیک‌ترین رابطه را با طرفین دعوی و حادثه دارد، در نتیجه این رأی منعکس شده است. خصوصاً در جایی که اعمال صرف قاعده محل وقوع حادثه، نتایجی برخلاف عقل سلیم، عدالت و انصاف به همراه دارد، توجه به رویکرد قانون مناسب شبه جرم ضروری تر به نظر می‌رسد.

1. Maclean v. pettigrew (1945)

اما در مورد مسئولیت مالک یا دارنده وسیله نقلیه در برابر حادثه زیانباری که با رانندگی فرد دیگری به وقوع پیوسته است، مسئله این است که آیا مالک ماشین که در تمام مدت، بیرون از کشور محل وقوع حادثه بوده، می‌تواند بر اساس قانون آن کشور، مسئول سهل انگاری راننده باشد. قانون ایالت نیویورک، صاحب ماشین را در صورتی مسئول مطلق حادثه ناشی از وسیله نقلیه می‌داند که راننده سهل انگار «در روند تجارت چنین مالکی بر سر کار بوده یا در غیر این صورت، به صورت قانونی با اجازه صریح یا ضمنی چنین مالکی، از ماشین او استفاده می‌کرده یا با آن کار می‌کرده است». به عقیده یکی از حقوق‌دانان امریکایی خوانده‌ای که ماشینش را به یک راننده اجاره می‌دهد تا آن را به مکان خاصی ببرد در واقع خود را تابع نتایج قانونی کرده که توسط آن مکان تحمیل می‌شود. همانطور که اگر او در مقابل راننده در جایگاه آمر در مقابل گماشته قرار می‌گرفت، نتایج قانونی قانون محل وقوع حادثه بر او تحمیل می‌شد (Rabel, 1960: 2 / 262-270).

در یک پرونده آمریکایی^۱ یک شرکت فروشنده اتومبیل بوفالو در نیویورک، نماینده فروشی را به این منظور که او یکی از اتومبیل‌های شرکت را به آنتاریو ببرد، استخدام کرد. نماینده فروش در هنگام رانندگی در ایالت آنتاریو، تصادفی کرد که ظاهراً از روی سهل انگاری بود. قانون آنتاریو صاحب ماشین را مسئول می‌دانست؛ مگر اینکه ماشین بدون رضایت وی تحت تصرف شخص دیگری قرار گیرد. از آنجایی که ممکن است آن نماینده فروش خارج از حیطه کاری آن عمل کرده باشد، مسئله این بود که آیا قانون آنتاریو، باید توسط دادگاه نیویورک اعمال شود یا خیر. دادگاه نیویورک اعمال این قانون را نپذیرفت، با این استدلال که: «صرف تملک ماشین، کافی نیست تا اینکه قانون آنتاریو، حکم مسئول بودن مالک را به عنوان خواننده دعوی صادر کند». و این گونه رأی داد: «تنها اگر خواننده به نماینده فروش اجازه می‌داد که ماشین را به آنتاریو ببرد، او (شرکت خواننده) تا جایی که توسط قانون آنتاریو پیش‌بینی شده باشد مسئول می‌باشد».

در نهایت مجموعه حقوق بین‌الملل خصوصی امریکا راجع به تعارض قوانین قاعده کلی زیر را پیشنهاد کرد: «برای آنکه قانون کشوری که خطا در آن به وقوع پیوسته، اعمال شود تا علیه خواننده غایب ایجاد مسئولیت کند، او باید در مواردی، خود را تسلیم قانون آن کشور کرده باشد. فقط کافی است که وی به شخص دیگری این اجازه یا اختیار را بدهد که به نمایندگی از او در کشور دیگری که خطا در آن به وقوع پیوسته اقدام کند».

اما نظر مجموعه نسبت به اینکه یک کشور نمی‌تواند هیچ شخصی را برای شبه جرمی که در آن کشور به وقوع پیوسته، مسئول بداند مگر اینکه آن شخص خود را تسلیم آن کشور کند امروزه یک نظر منسوخ است.

1. Scheer v. Rock motors corp (1934).

بر اساس مقررات این مجموعه، قانون محل خطا است که باید تعیین نماید تحت چه شرایطی باید چنین فرض شود که مالک به پسر یا به همسرش یا به شخص دیگری، اجازه استفاده از ماشین را داده است و اینکه آیا باید اجازه استفاده، اشاره به کشور خاصی داشته باشد یا فقط به طور کلی اجازه استفاده از آن در کشورهای خارجی داده شود (Rabel, 1960: 2/247-276).

در نتیجه به موجب مقررات مجموعه حقوق بین‌الملل خصوصی امریکا قانون حاکم بر مسئولیت ناشی از تصادفات وسایل نقلیه موتوری، قانون محل وقوع شبه جرم است و این قانون است که شخص مسئول و شرایط مسئولیت را مشخص می‌کند. پس دارنده ماشین با وجود شرایط پیش‌بینی شده در قانون محل وقوع حادثه زیانبار مسئول حادثه فرض می‌شود و در غیر این صورت راننده اتومبیل (در فرض متفاوت بودن راننده و دارنده وسیله نقلیه) به تنهایی مسئول جبران خساراتی است که در کشور دیگر محقق شده است.

نهایتاً در خصوص قانون قابل اجرا نسبت به مسئولیت‌های ناشی از حوادث رانندگی در جاده‌ها بر اثر مساعی کنفرانس لاهه در چهارم ماه می سال ۱۹۱۷ کنوانسیون با همان عنوان^۱ به تصویب رسید که در سوم ژوئن ۱۹۷۵ لازم‌الاجرا گشت. در این کنوانسیون کوشش گردیده میان دو نظریه مختلف درباره چگونگی تعیین قانون صالح حاکم بر مسئولیت یاد شده؛ یعنی نظریه مبنی بر لزوم در نظر گرفتن قاعده‌ای ثابت، مانند قاعده محل وقوع حادثه و نظریه مقابل آن حاکی از جستجوی قانون مناسب هر قضیه، سازش به عمل آید، بدین گونه که با حفظ قاعده محل وقوع حادثه به عنوان قاعده اصلی، دادگاه بتواند به اقتضای چگونگی مورد، قاعده‌ای دیگر را به جای آن اعمال کند.

این کنوانسیون امروزه توسط ۱۹ کشور دنیا از جمله فرانسه، جمهوری چک، پرتغال، هلند و ... پذیرفته شده و قانون متحدالشکل حقوق بین‌الملل خصوصی را در مورد مسئولیت ناشی از حوادث جاده‌ای به ارمان آورده است (سلاجوقی، ۱۳۸۰: ۴۳۰)؛ (کوپنول، ۱۳۷۹: ۹۶-۹۰)؛ (lousouam, 1998: 636).

ماده اول این کنوانسیون، اختصاص به تعیین موضوع آن دارد موضوع کنوانسیون بر حسب این ماده «تعیین قانون قابل اجرا درباره مسئولیت مدنی ناشی از حادثه رانندگی جاده‌ای است» و منظور از حادثه هر حادثه‌ای است که در آن یک یا بیش از یک وسیله نقلیه موتوری یا غیر موتوری مداخله داشته باشد، اعم از آن که رانندگی در شارع عام صورت گرفته یا در زمینی در دسترس همگان یا زمینی غیر عمومی که در آن رفت و آمد برای شماری از اشخاص بوده است.

ماده (۲) راجع به نوع مسئولیت، مقرر داشته: «کنوانسیون هیچ ارتباطی با مسئولیت‌های سازنده، فروشنده و تعمیرکننده وسایل نقلیه ندارد و با مسئولیت مالک جاده‌ای مخصوص عبور و مرور یا با مسئولیت هیچ کدام از افراد دیگری که وظیفه نگهداری از راه یا امنیت استفاده‌کننده‌ها را

1. Convention on the law applicable to traffic accident : <http://www.Hcch.net/index-en.php?act>

به عهده دارند، ارتباطی ندارد. همچنین با مسئولیت‌های ناشی از فعل غیر هم ارتباطی ندارد. به جز مسئولیت مالک وسیله نقلیه یا مسئولیت مامورین و گمارنده‌های وسیله نقلیه».

مستفاد از بند (۱) و ماده (۱۱)، کنوانسیون لاهه با مسئولیت قراردادی منافات دارد. در ماده سوم کنوانسیون، قاعده قانون محل ارتکاب شبه جرم، گنجانده شده اما در قضایای مشخص متعددی این قاعده، بایستی به وسیله قاعده دیگری مطابق مواد چهار و پنج و شش جایگزین شود.

تدوین کنندگان کنوانسیون، در تفسیر این قواعد تلاش کرده‌اند که نسبت به وضعیت‌هایی که با کشور دیگری غیر از کشور محل حادثه ارتباط نزدیک‌تری دارند، به طور منصفانه رفتار کنند، مانند وضعیتی که اتومبیل‌های درگیر در حادثه در کشور واحدی ثبت شده باشند. بنابراین، در ماده چهارم آن، قاعده کشور محل ثبت وسیله نقلیه به عنوان استثناء بر قاعده یاد شده، برای مواردی که حادثه، در کشوری غیر از کشور محل ثبت وسیله نقلیه وقوع یافته، با قائل شدن تفاوت میان مواردی که در آن‌ها یک وسیله یا بیش از یک وسیله مداخله داشته، چنانچه در حادثه، تنها یک وسیله دخیل بوده باشد؛ برای سه دسته اشخاص، به این ترتیب در نظر گرفته شده است:

۱- نسبت به راننده یا مالک صرف نظر از محل اقامت عادی آن‌ها؛

۲- نسبت به عابر هر گاه در خارج از کشور محل حادثه مقیم باشد؛

۳- نسبت به مجنی علیه بیرون از وسیله نقلیه به شرط آن که در محل ثبت وسیله مقیم باشد.

و اگر در حادثه بیش از یک وسیله نقلیه مداخله داشته باشد، اجرای این قاعده استثنایی منوط به آن گردیده که محل ثبت همگی آن‌ها، یک کشور باشد و همگی کسانی که خارج از وسیله دچار حادثه شده‌اند، مقیم آن کشور باشند.

ماده (۵) کنوانسیون مقررات راجع به قانون قابل اجرا در مورد اموال در حال حمل و اموال بیرون از وسیله را مطرح نموده و ماده (۸)، جهاتی را که در نتیجه مواد سوم تا ششم تابع قانون قابل اعمال است، بر می‌شمارد. این جهات شامل مسئولیت، ارزیابی خسارت و این مسئله که چه کسی مستحق دریافت خسارت است می‌شود (سلجوقی، ۱۳۸۰: ۴۰۴-۴۰۳)؛ (کوپنول، ۱۳۷۹: ۹۶-۹۵).

ملاحظه می‌شود که در کنوانسیون مربوط به حوادث ناشی از رانندگی در جاده‌ها، سعی در گنجاندن قاعده اعمال قانون مناسب برای این نوع حوادث جاده‌ای شده است و کاربرد غیر منعطف قاعده قانون محل وقوع حادثه تا حد زیادی، محدود گشته است.

واقعیت آن است که اعمال قاعده محل وقوع حادثه، معمولاً مستلزم ثبوت تقصیر است، حال آنکه در بسیاری از موارد مربوط به حوادث جاده‌ای، اثبات تقصیر عامل ورود زیان کاری دشوار می‌باشد؛ در نهایت این قاعده هدف جبران خسارت زیان دیده در هر شرایطی را تأمین نمی‌کند. در نتیجه

امروزه دادگاه‌ها بایستی از قانون محل وقوع حادثه هنگامی استفاده کنند که رابطه عمیقی با طرف‌های دعوی و نیز حادثه داشته باشد. گاهی نیز به علت ارتباط شدید مسئولیت ناشی از حوادث جاده‌ای با قوانین آمره و نظم عمومی، اعمال قانون مقر دادگاه ضرورت دارد. از سوی دیگر، در بسیاری از حوادث رانندگی محل وقوع حادثه، گاه فقط یک رابطه تصادفی با عوامل اساسی دعوی دارد. از این رو اعمال قانون مناسب دیگری برای این نوع حوادث جاده‌ای، در بعضی موارد لازم و ضروری است.

۲-۴- قانون حاکم بر مسئولیت ناشی از محصولات تولیدی

مسئله مسئولیت مدنی تولیدکنندگان کالا یکی از مباحث حقوق مدنی است که در قرن اخیر در کشورهای پیشرفته اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرده است. مهمترین و پذیرفته‌ترین مبنای این مسئولیت را شاید بتوان نظریه تضمین ایمنی مبیع دانست. فروشنده، به طور ضمنی در برابر خریدار، تعهد می‌کند که جنس سالم و بی عیب به او تحویل دهد و اگر به این تعهد عمل نکند، مسئول زیان‌های ناشی از آن است (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۶۳۸/۱).

تعارض قوانین در مسایل مسئولیت مدنی، بخصوص در مورد مسئولیت ناشی از کالاها، به دلایل گوناگونی، توسعه یافته است. یکی از این دلایل، توسعه تجارت بین‌الملل و تبادل فرآورده‌های گوناگونی است که ضرورتاً باعث گسترش این تعارض‌ها، شده است. هیچ کشوری نیست که تمامی کالاها را مورد نیازش را خود به تنهایی فراهم آورد. همه کشورها مجبورند تا نیاز خود را از طریق وارد کردن مواد خام و یا کالاهای ساخته شده برآورده کنند و طبیعتاً در میان حجم عظیم کالاهایی که وارد هر کشور می‌شود، وجود فرآورده‌های معیوب و خطرناک امری اجتناب ناپذیر است. حوادثی مانند حوادث ناشی از نقص فنی هواپیما و یا عوارض جانی داروها و وسایل پزشکی.

مانند اینکه شخصی شکلات‌هایی سمی را در کشور (الف) تولید کند، این شکلات سمی در کشور (ب) به شخص دیگری فروخته شود و شخص اخیر با خوردن آن در کشور (ج) مسموم شده، سپس در کشور (د) فوت کند. در این مثال تعیین قانون صلاحیت‌دار از میان قوانین چهار کشور مذکور، مسئله‌ای ضروری است. بر مبنای اینکه، مسئولیت سازندگان و فروشندگان کالا، مسئولیتی قراردادی است یا غیر قراردادی، قانون صالح بر آن ممکن است متفاوت باشد. البته، همواره تشخیص این مسئله که آیا رابطه خواهان و خوانده قراردادی است یا غیر قراردادی، آسان نیست و نیازمند توصیفی است که به علت اصلی بودن این توصیف (تأثیر آن در قانون حاکم)، به وسیله قانون مقر دادگاه صورت می‌گیرد (تنک، ۱۳۷۸: ۱۹۶-۱۹۵). در صورت احراز رابطه قراردادی، تعهدات ناشی از قرارداد تابع اراده طرفین است مگر آنکه اراده طرفین، بر قانونی خاص واقع نشده باشد که در این صورت تابع قانون محل انعقاد قرار داد خواهد بود (ماده ۹۸۶ قانون مدنی).

اما اگر مبنای مسئولیت مدنی تولید کنندگان و توزیع کنندگان یک محصول، مسئولیت غیر قراردادی باشد قاعده عام، اعمال قانون محل وقوع فعل زیانبار می‌باشد. در حالی که، حقیقت آن است که قانون محل وقوع فعل زیانبار، همواره قانونی مناسب برای حاکمیت بر تعهدات غیر قراردادی ناشی از محصولات تولیدی نیست. به عقیده باتیقول، حقوقدان فرانسوی، قانون محل وقوع شبه جرم یعنی قانون محل حدوث خسارت، گاه فقط یک رابطه تصادفی با عوامل اساسی دعوی دارد (جعفری تبار، ۱۳۷۵: ۱۷۰-۱۸۷).

اگر به سابقه دعوی نقض قرارداد در مورد تضمینات فروشنده مراجعه کنیم، ملاحظه خواهیم کرد که این دعوی از لحاظ طبیعت حقوقی، مبتنی بر مسئولیت غیر قراردادی است؛ زیرا رابطه قراردادی بین طرفین دعوی در مقام اقامه دعوی، ضروری تشخیص داده نشده است. به این جهت، دادگاهها در مورد مسئولیت تولیدکننده، کم کم اصل قانون محل وقوع شبه جرم را کنار گذاشته‌اند؛ زیرا اعمال قاعده مزبور معمولاً مستلزم ثبوت تقصیر است و در نتیجه برای تأمین منظور، باید موضوع مسئولیت را به قرارداد بیع مربوط دانست که البته، این طرز استدلال از نظر حقوقی چندان منطقی نیست (لورنز، ۱۳۵۶: ۹۰-۸۹). در انتقادهای دیگر از قاعده قانون محل وقوع شبه جرم گفته شده است که تولید کننده یک کالا، اصولاً موظف است تا بر طبق آن دسته از استانداردهای ایمنی کالا که در کشورش بر او تکلیف شده است، کالای خود را بسازد و مکلف نیست تا استانداردهای محل وقوع حادثه را رعایت نماید. در این صورت اگر این قاعده را در مورد تولید کننده‌ای اعمال کنیم که به هیچ وجه پیش‌بینی نمی‌کرده که کالاهایش در کشوری دیگر، مورد استفاده قرار می‌گیرد. مرتکب بی عدالتی در مورد او شده‌ایم.

از مشکلات دیگر در اعمال قانون محل وقوع، تعیین محل وقوع حادثه است. به عنوان مثال یک داری خطرناک ضدبارداری، تأثیراتی تدریجی دارد که ممکن است در نقاط مختلف واقع شود. در این صورت کدام محل را باید محل وقوع حادثه دانست؟ (مسئله توصیف محل وقوع شبه جرم).

نتیجه آنکه امروزه دادگاهها از قانون محل وقوع حادثه هنگامی استفاده می‌کنند که رابطه‌ای عمیق با طرف‌های دعوی و نیز با حادثه داشته باشد. در مورد عامل ارتباط اقامتگاه زیان دیده برای تعیین قانون حاکم نیز ایراداتی قابل طرح است، از جمله علاوه بر آنکه این قانون رابطه زیادی با حادثه ندارد، عادلانه هم نیست که قربانی حادثه به هر کجا که می‌رود قانون حمایتی خودش را هم به دنبال ببرد. همچنین در ایراد به اعمال قانون مقر دادگاه در نتیجه همبستگی شدید مسئولیت ناشی از کالاها با قوانین آمره و نظم عمومی گفته شده که این قانون برخلاف خواست خواهان است به خصوص در جایی که قانون مقر دادگاه به نسبت قانون محل وقوع حادثه و یا قانون اقامتگاه سازنده

کالا، مسئولیت خفیف‌تری را بر تولیدکننده تحمیل می‌کند، خواهان به اعمال قانون مقرّ دادگاه مایل نخواهد بود و می‌دانیم که حمایت از مصرف‌کننده، سیاستی مقبول در تمام نظام‌های حقوقی است (جعفری تبار، ۱۳۷۵: ۱۷۶-۱۷۴).

کنوانسیون (۲) اکتبر ۱۹۷۳ لاهه در مورد قانون قابل اعمال بر مسئولیت مدنی ناشی از کالا^۱ تدوین شده است که از تاریخ اول اکتبر ۱۹۷۷ لازم الاجرا می‌باشد و کشورهایی نظیر فرانسه، هلند، نروژ و فنلاند عضو آن هستند.

این کنوانسیون هم مسئولیت قراردادی و هم غیر قراردادی را شامل می‌شود، مگر در وضعیت انتقال مستقیم کالا از فروشنده (مرتکب شبه جرم) به خریدار (زیان دیده).

کنوانسیون مسئولیت مدنی ناشی از کالا هنگامی که قانون کشور غیر متعهده‌ی بر قضیه حاکم باشد نیز قابل اعمال است (ماده ۱۱). رویکرد این کنوانسیون به قاعده انتخاب قانون، با کنوانسیون حوادث ناشی از حمل و نقل تفاوت دارد. برای اینکه قانون مناسب در مورد شبه جرم اعمال گردد، در همه این قواعد کوشش شده است که برخی جنبه‌های واقعی را مورد توجه قرار دهند. ماده (۵)، قاعده اصلی را بیان می‌کند:

«قانون کشور محل سکونت عادی زیان دیده قابل اعمال است، اگر این کشور هم چنین کشوری است که، محل اصلی بازرگانی مرتکب شبه جرم نیز در آنجا است، یا زیان دیده، محصول را در آنجا به دست آورده است. اگر این عوامل بر هم منطبق نباشند، ماده (۴) قابل اعمال است. این ماده بیان می‌دارد که قانون محل ارتکاب شبه جرم قابل اعمال است، البته در مواردی که این قانون هم چنین قانون کشوری است که، زیان دیده در آنجا سکونت عادی دارد، یا محل بازرگانی مرتکب شبه جرم است، یا زیان دیده محصول را در آنجا به دست آورده است».

در غیر این صورت باید قانون کشور محل اصلی بازرگانی شخص مسئول اعمال گردد، مگر اینکه زیان دیده ادعای خود را بر اساس قانون داخلی کشوری که زیان در آن واقع گردیده، قرار دهد (ماده ۶). بنابراین، نظریه حق انتخاب قانون صلاحیت‌دار در این کنوانسیون تنها زمانی مورد توجه واقع می‌شود که قانون محل وقوع شبه جرم (ماده ۴) و یا قانون محل سکونت معمولی زیان دیده (ماده ۵) قابل اعمال نباشد.

در کنوانسیون لاهه، نظریه «قابل پیش‌بینی بودن قانون حاکم» نیز ملحوظ شده است، هدف از این نظریه صرفاً مصلحت تولیدکننده یا اشخاص دیگری است که از نظر مسئولیت در ردیف او قرار می‌گیرند، برای وصول به این منظور ضمن ماده (۷) کنوانسیون، پیش‌بینی شده است که قانون محل

1. Hague convention on the law applicable to products liability of October 2, 1973 : [http:// www. Hcch.net/ index - en_php = conventions . text & cid](http://www.Hcch.net/index-en_php=conventions_text&cid).

وقوع شبه جرم و یا قانون کشور محل اقامت معمولی زیان دیده در موردی که تولید کننده بتواند ثابت کند که در شرایط متعارف نمی توانسته است از عرضه کالا در کشور مورد نظر، اطلاع حاصل کند، اعمال نخواهد شد.

این کنوانسیون همچنین نظریه‌ای را که به منظور تأمین منافع طرف مسئول عنوان شده بود بسیار زیاد مورد بحث قرار داده است و به این منظور، پیش‌بینی شده که با وجود قاعده تعارض مقرر در کنوانسیون، قاضی همواره می‌تواند به مقررات ایمنی که به وسیله کشور محل عرضه کالا وضع شده است، استناد کند (ماده ۹). در این زمینه به این نکته توجه شده است که برای انواع محصولات، در کشورهای مختلف، مقررات ایمنی متفاوتی وضع شده است و چنانچه این موضوع پیش‌بینی نشده باشد تولید کننده و فروشنده می‌بایست، به مشکل‌ترین مقررات ایمنی توجه کرده و خود را بر آن اساس بیمه کنند. در واقع، موضوع اصلی توجه به قواعد ایمنی است که از قانون صلاحیت‌دار ناشی نمی‌شود بلکه مربوط به عوامل قانون محلی است (کوپنول، ۱۳۷۹: ۹۷-۹۶)؛ (لورنز، ۱۳۵۶: ۹۳-۹۲).

پس از تعیین قانون مناسب، مطابق ماده (۸) کنوانسیون مواردی چون اساس و وسعت مسئولیت، علل و زمینه‌های معافیت از مسئولیت و قابل تقسیم و تحدید بودن آن، نوع خسارتی که به جبران آن باید حکم صادر شود، شکل و شیوه جبران خسارت و حدود آن و مسائلی ماهوی از این قبیل تحت حکومت این قانون مناسب و قابل اعمال می‌باشد.

در پایان این بحث ذکر این نکته ضروری است که گرچه کنوانسیون‌های لاهه در خصوص قانون حاکم بر مسئولیت ناشی از محصولات تولیدی و قانون حاکم بر حوادث جاده‌ای، برای دادگاه ایرانی لازم‌الاتباع نیست ولی می‌تواند در تعیین قانون مناسب، یاریگر قاضی باشد، هر چند که قاضی می‌تواند خود در هر مورد با توجه به اوضاع و احوال پرونده، قانون مناسب را تعیین نماید.

نتیجه‌گیری

در میحث تعیین قانون حاکم بر الزامات خاص غیر قراردادی - الزامات ناشی از فعل غیر و الزامات ناشی از دارا بودن اشیاء - روش صحیح، روش حقوقی و انتخاب انطباق است که به موجب آن برای تعیین قاعده به منظور حل تعارض قوانین صرفاً از لحاظ عملی و نظری، حکمی را می‌بایست جستجو کرد که مناسب هر دسته از تعارض باشد. بنابراین با تحلیل حقوقی هر یک از مسئولیت‌های ناشی از فعل غیر همچون مسئولیت ناشی از فعل زیانبار صغیر و مجنون و مسئولیت ناشی از حوادث جاده‌ای و ... می‌توان قاعده حل تعارض مخصوص آن نهاد حقوقی را مشخص کرد.

با توجه به اینکه مسئله توصیف دسته ارتباط الزامات غیر قراردادی به عهده قانون مقرر دادگاه است و یک توصیف اصلی است، تشخیص این مسئله که آیا موضوع دعوی در موارد مشتبه مانند مسئولیت کارفرما در برابر زیان وارده توسط کارگزارانشان یا مسئولیت تولیدکننده محصولات یا فروشنده آن در برابر زیان ناشی از این محصولات، یکی از الزامات ناشی از قرارداد است یا الزامی غیر قراردادی (ضمان قهری) است، به عهده قاضی رسیدگی کننده به موضوع دعوی است.

همچنین است تشخیص مفهوم دارنده اتومبیل در خصوص مسئولیت ناشی از حوادث جاده‌ای و در نهایت توصیف محل وقوع شبه جرم - در مواردی که محل وقوع فعل زیانبار و محل تحقق خسارت مکان‌هایی متعدد هستند - همگی تحت حاکمیت قانون مقرر دادگاه می‌باشند.

اما موارد دیگری همچون تشخیص مبنای الزامات غیر قراردادی در این خصوص که آیا زیان دیده باید برای جبران خسارت خویش، تقصیر عامل زیان را به اثبات رساند و یا اینکه صرف وجود رابطه سببیت بین فعل زیانبار و خسارت وارده بدون نیاز به اثبات تقصیر، چه بر مبنای فرض تقصیر و چه بر مبنای مسئولیت محض عامل ورود زیان، زیان دیده حق مطالبه خسارت را خواهد داشت، تحت حاکمیت قانون ماهوی حاکم بر دعوای الزامات ناشی از فعل غیر است؛ به عنوان نمونه اگر قانون حاکم بر دعوای مسئولیت مدنی سازندگان محصولات تولیدی، مبنای این الزام را مسئولیت محض سازندگان برای جبران زیان ناشی از محصولات تولیدی آن‌ها بداند، زیان دیده هیچ الزامی در اثبات تقصیر سازنده کالای زیانبار نخواهد داشت.

مسئله دیگر آنکه از میان نظرات مختلفی که در باب قانون حاکم بر این دسته ارتباط بیان شده، نظریه «محل وقوع فعل زیانبار» در میان اکثر صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل خصوصی مقبولیت بیشتری یافته است، اما با توجه به ایرادات ناشی از اعمال صرف این نظریه، نظریه دیگری به نام «قانون مناسب الزامات غیر قراردادی» در برخی موارد جایگزین آن می‌شود که با تحلیل عوامل اجتماعی مربوط به واقعه زیانبار، وضعیت و موقعیت عامل زیان و زیان دیده و مرکز ثقل روابط آن، می‌توان مناسبترین قانون را به

عنوان قانون قابل اعمال بر الزامات غیر قراردادی تعیین نمود. اما بررسی کنوانسیون‌های لاهه، در خصوص قانون قابل اجرا نسبت به مسئولیت‌های ناشی از حوادث رانندگی در جاده‌ها مصوب ۱۹۷۱ و نیز کنوانسیون مربوط به قانون حاکم بر مسئولیت ناشی از محصولات تولیدی مصوب ۱۹۷۳ می‌تواند به عنوان راهنمای ارزنده‌ای برای کشورها تلقی شود، همچنانکه در کشورهایی که آن را تصویب نکرده‌اند نیز مقررات آن می‌تواند در اتخاذ تصمیمات محاکم بسیار مؤثر و مفید واقع شود.

منابع

الف - فارسی

- ۱- الماسی، نجادعلی، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، نشر میزان، چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۳.
- ۲- افضل‌ی مهر، مرضیه، *قانون حاکم بر الزامات خارج از قرارداد در تعارض قوانین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، به راهنمایی آقای دکتر نجاد علی الماسی دانشگاه قم، بهمن ماه، ۱۳۸۵.
- ۳- امامی، حسن، *حقوق مدنی*، جلد ۱، نشر اسلامیه، چاپ بیستم، ۱۳۷۸.
- ۴- تنک آندره، *حقوق مسئولیت مدنی*، ایرج بابایی، نشر به پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۷۸.
- ۵- جعفری تبار، حسن، *مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا*، نشر دادگستر، چاپ اول، مهر ماه ۱۳۷۵.
- ۶- حسینی نژاد، حسینقلی، *مسئولیت مدنی*، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، بهار ۱۳۷۷.
- ۷- ژوردن، پاتریس، *اصول مسئولیت مدنی*، مجید ادیب، نشر میزان، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۲.
- ۸- سلجوقی، محمود، *بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی*، دوره دو جلدی، نشر میزان، چاپ اول، بهار ۱۳۸۰.
- ۹- شایگان، علی، *حقوق مدنی*، انتشارات رنگین، مهر ماه ۱۳۳۹.
- ۱۰- صفایی، سید حسن، *مقالاتی درباره حقوق مدنی تطبیقی*، نشر میزان، چاپ اول آبان ۱۳۷۵.
- ۱۱- قائم مقامی، عبدالمجید، *حقوق تعهدات*، نشر میزان و دادگستر، ۱۳۷۸.
- ۱۲- کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی (الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قمری)*، دوره دو جلدی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، پاییز ۱۳۸۳.
- ۱۳- کاتوزیان، ناصر؛ جنیدی، لعیا؛ غمامی، مجید، *مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی*، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۱.
- ۱۴- کوپنول، ماریل، لافورس، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، مهدی حدادی، انتشارات مجتمع عالی قم، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۹.
- ۱۵- لوراسا، *مسئولیت مدنی*، محمد اشتری، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۱۶- لورنز، وربز، *مسئولیت تولیدکننده از لحاظ حقوق بین‌الملل خصوصی*، مرتضی نصیری، نشریه مؤسسه حقوقی تطبیقی ۳، ۱۳۵۶.
- ۱۷- مدنی، سید جلال الدین، *حقوق مدنی*، جلد ۳، انتشارات پایدار، اسفند ۱۳۸۳.

ب- عربى

- ١٨- بديع منصور، سامى، *الوسيط فى القانون الدول الخاص*، بيروت، لبنان، دار العلوم العربيه ١٩٩٤ م ١٤١٤.
- ١٩- عبدالله، عز الدين، *القانون الدولى الخاص*، الجز الثانى، مصر، الهيئه المصريه العامه للكتاب، الطبعة التاسعه، ١٩٨٦ م.
- ٢٠- المبروك اللافى، محمد، *تنازع القوانين و تنازع الاختصاص القضائى الدولى*، ليبيا، منشورات الجامعه المفتوحه، ١٩٩٤ م.

ج- لاتين

- 21- Loussouarn , Yvon , *Droit International Prive* , Paris, Dalloz 1998.
- 22- Morris , J, H, C , *The conflict of laws* , David Mcclean, fifth edition , London , Sweet & Maxwell , 2000.
- 23- Rabel , Ernest , *The conflict of laws* , A comparative study, vol 2-3, The university of Michigan law school , U, S, A , 1960.
- 24- Stromholm , stig , *Torts in the conflict of laws*, A comparative study , P, A.N, Stedt & Soners , Forlag Stockholm, 1961.
- 25- [http:// www. Hcch. net/ index – en, php?act = conventions text & cid.](http://www.Hcch.net/index-en.php?act=conventions-text&cid)